



اهل کتاب بودو  
مطالعه، یک بار به  
بسیجیان توصیه  
کرده بود «کوفه و  
نقش آن در قرون  
نخستین اسلامی»  
را بخوانند. کتاب  
خاطرات شهید  
علی خوش لفظ  
رادریکی از  
ماموریت هایش  
در مسیر بغداد به  
اقلیم کردستان  
خوانده بود.

به سرعت آن را گسترش دهد. همزمان با وی، تفکر سلفی توسط افراد دیگری در هند و مصر نیز توسعه یافت، طوری که بعد از عربستان، هند و مصر تبدیل به مراکز سلفی‌گری در دنیای اسلام شدند. در قرن ۱۴ هجری نکته جدیدی که به نگرش سلفی افزوده شد اجرای احکام اسلام با استفاده از زور و به کارگیری شمشیر است. این جریان تنها راه استقرار اندیشه سلفی و سنت را پیکار نظامی تلقی می‌کردند که برای اولین بار در جریان تحولات افغانستان در مبارزه با حاکمیت نظام کمونیستی در این کشور ظاهر شد و در واقع توجه سلفی‌های سه گوشه جهان اسلام را به خود جلب کرد. وقتی روسیه به افغانستان حمله کرد، جهان اسلام به نوعی خود را در مقابل جبهه کمونیست فرض کرد. به همین دلیل مسلمانان از اقصی نقاط جهان برای پشتیبانی و حمایت از اسلام در برابر کفر به افغانستان مهاجرت و در جبهه مبارزه حاضر شدند. خیلی از مسلمان‌های سرشناس و صاحب ثروت نیز به پشتیبانی مالی و لجستیک پرداختند که یکی از این افراد بن‌لادن، پسر یکی از ثروتمندترین مردان عربستان و صاحب چند شرکت بزرگ سعودی بود. وی بعد از اولین سفر خود به افغانستان تصمیم گرفت ثروت و تمرکز خود را برای مبارزه با جبهه کفر در افغانستان هزینه کند. به طور خلاصه آنچه در افغانستان طی سال‌های متمادی جنگ با شوروی اتفاق افتاد این بود مردانی به وجود آمدند که به جز جنگیدن هیچ تخصص دیگری نداشته و از آنجا که مبانی اعتقادی در آنها به شدت تهنشین شده بود، برای مبارزه با جبهه کفر در تمام نقاط جهان پیشقدم شدند، البته به نمایندگی از اسلامی که خود تعریف می‌کردند و با کفری که براساس همان مبانی گفته شده، فرض می‌کردند. بعد از جنگ، سلفی‌گری جدیدی ایجاد شد که البته رنگ و بوی وهابیت و تکفیرش بیش از هر چیز دیگر در آن دیده می‌شد.

تاریخ ظهور سلفیه را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد:

دوره اول از قرن سوم هجری با برآمدن افرادی مانند احمد بن حنبل با چرخشی تند به سوی بدوی‌سازی حرکت کرد و با نفی گفتمان کلامی به ظاهر آیات و احادیث تأکید می‌شد. این دوران تا قرن ۸ قمری ادامه داشت تا این‌که در اوایل این قرن ابن تیمیه از عالمان حنبلی دمشقی و فردی سرسخت در اندیشه‌های اعتقادی خود با نوشتن مطالبی در برابر همه جهان اسلام قرار گرفت. وی می‌گفت حق نداریم در فهم قرآن برداشت‌های عقلی خود را حاکم کنیم. باید به ظاهر قرآن بسنده کنیم و درباره متشابهات هم باید سکوت کرد. وی بسیاری از اعمال مسلمانان را شرک خواند و بسیاری از مسلمانان را تکفیر (کافر شمردن) کرد. او برای تبلیغ دیدگاه‌هایش مناظره‌ها و سخنرانی‌های زیادی کرد و سال‌ها زندانی شد. وی کتب و شاگردان زیادی از خود بر جای گذاشت که راه وی را در حوزه‌های علمیه شام، مصر و حجاز ادامه دادند.

### ≡ وهابیت از راه می‌رسد

موج سوم در قرن ۱۲ و ۱۳ هجری در اندیشه فردی به نام عبدالوهاب با گرایش حنبلی ظاهر شد. عبدالوهاب بیش از هر چیز بر تقدس‌زدایی از بزرگان دین تأکید می‌کرد و با احترام گذاشتن به مرده‌ها مخالف بود و آنقدر در تخریب قبرستان‌های عربستان تأکید داشت که سلمان العوده، وهابی عربستانی می‌گوید گویا مادرش او را در قبرستان به دنیا آورده و او عقده قبرستان دارد که این قدر در توحیدش بر قبرستان تأکید دارد. او دیگر مسلمانان را چنان تکفیر می‌کرد که برادرش به او می‌گفت: تو ارکان اسلام را شش تا می‌دانی. ششمین هم خودت هستی؛ چون می‌گویی هر که از تو پیروی نکرده است، مسلمان نیست. وی در کوتاه مدت با جماعت محمد بن سعود توانست اندیشه سلفی‌گری را در عربستان رواج داده و